

# پژوهشی درباره کتاب «عوالم»

کاظم قاضی زاده

## مقدمه

در طول تاریخ حیات فکری شیعه، محدثان نام آور، پیوسته به گردآوری و تنظیم مجموعه‌هایی از روایات معصومین علیهم‌السلام مبادرت ورزیده‌اند، گر چه انگیزه، هدف، شیوه و محدوده احادیث گردآوری شده یکسان نبوده است اما در مجموع تلاش محدثان زمینه حفظ و بقاء آثار شیعه و اعتلای مکتب را فراهم آورده است. این مجموعه‌ها فواتر از کتب مشهور روایی «محمودون اول» و «محمودون آخر» است.<sup>۱</sup>

یکی از این مجموعه‌های گران‌بها، که در این نوشتار به آن می‌پردازیم «عوالم‌العلوم والمعارف والاحوال من الآیات والاحبار والاقوال»؛ نگاشته محدث خبیر و متتبع، مرحوم شیخ عبدالله بحرانی است.

این کتاب اندکی پس از تألیف «موسوعه بحارالانوار مجلسی» نگاشته شده است اما تا

۱ - مقصود کتابهای: الکافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی؛ من لا یحضره الفقیه، تألیف محمد بن علی بن بابویه (صدوق)؛ التهذیب والاستبصار، تألیف محمد بن الحسن الطوسی؛ بحارالانوار، تألیف مولی محمد باقر المجلسی؛ الوافی، تألیف مولی محمد محسن فیض‌الکاشانی و وسائل‌الشیعه، تألیف محمدالحرالعاملی می‌باشد.

قبل از دو دههٔ اخیر جز بعضی از مجلدات آن به چاپ نرسیده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی با همت و تلاش آیه‌الله سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی چاپ مناسبی از این کتاب همراه با تصحیح و تعلیقات و استدراکات فراوان آغاز گردید؛ به طوری که تاکنون بیش از پانزده مجلد از آن به بازار عرضه شده و یا آماده چاپ است. با توجه به حجم قابل توجه استدراکات آقای ابطحی و ویژگیهای دیگری که در تحقیق این کتاب صورت پذیرفته است بررسی «عوامل» و «مستدرک» آن را جداگانه ارائه می‌کنیم. امید آنکه این مقال زمینه‌ای مناسب برای توجه بیشتر خوانندگان بر این اثر گرانقدر فراهم آورده و در تکمیل و بالندگی این کار عظیم مؤثر افتد.

### بررسی کتاب عوامل

الف - در بارهٔ شناخت مؤلف آن: مؤلف این مجموعه، مرحوم شیخ عبدالله بن نورالدین بحرانی است، از شرح حال و تاریخ تولد و وفات وی اطلاعی در دست نیست. همچنانکه در بعضی از کتب تراجم از او یادی نکرده‌اند و در تراجم قرن حاضر نیز در بارهٔ او اطلاعات محدودی ثبت شده است؛ تنها دو نکته در بارهٔ وی ذکر شده است: اول آنکه، وی از شاگردان مرحوم علامه مجلسی بوده است و دوم آنکه، کتاب «عوامل» را تألیف کرده است.<sup>۱</sup> اگر چه ترجمه نویسان کمتر به شرکت وی در مجموعه شاگردانی که در تألیف بحارالانوار شرکت داشته‌اند، اشاره کرده‌اند؛ اما بحرانی خود در مقدمهٔ عوامل‌العلوم (مخطوط) به شاگردی بیست ساله‌اش نسبت به مرحوم علامه مجلسی اشاره می‌کند<sup>۲</sup> و ضمن تجلیل فراوان، اعتماد خود را در تألیف بر استاد می‌داند.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد مؤلف در زمان خویش شهرت چندانی نداشته است اما وجود نسخه‌هایی از کتاب عوامل یاد او را باقی گذارده است. از این روی در کتب تراجم نگاشته شده در قرون دوازدهم و سیزدهم حتی بعضی از کتبی که شرح و ترجمه علمای بحرین را متکفل بوده است (همچون لؤلؤالبحرین) از او یادی نشده است.

ب - نام کتاب: نام کامل کتاب «عوامل‌العلوم والمعارف والاحوال من الآیات والاخبار والاقوال» است. این کتاب شباهتهای زیادی به بحارالانوار دارد، در فهرست کتابهای خطی

۱ - رک: میرزا حسین نوری، الفیض‌القدس فی ترجمه‌العلامة المجلسی، چاپ شده در: بحارالانوار (بیروت)، ج ۱۰۲، ص ۹۸. و آغا بزرگ طهرانی، الذریعة، ج ۱۵، صص ۳۵۶-۳۵۷ و سید محسن امین‌العاملی، اعیان‌الشیعة، ج ۸، ص ۸۷ و نیز آغا بزرگ طهرانی، طبقات اعلام‌الشیعة، تحقیق علی نقی منزوی، تهران، ج ۶، ص ۴۵۲.

۲ - رک: سید مصلح‌الدین مهدوی، زندگینامه علامه مجلسی، اصفهان، ج ۲، ص ۵۷.

۳ - به نقل از حضرت سید محمدباقر ابطحی.

کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی در باره این کتاب آمده است:

کتاب بسیار مفصلی است. در بیش از صد جلد که احادیث و روایات را از مصادر مختلف شیعه گرد آورده و در هر بابی آیات مناسب با آن را نیز می آورد و در آنجا که احتیاج به شرح داشته باشد به عنوان «بیان» مطالبی ذکر می کند. «عوامل» به حسب تقسیم مؤلف، در صد کتاب می باشد پنجاه کتاب در اصول و پنجاه کتاب در فروع و مجموع جزءهایش صد و بیست و هشت جزء است.<sup>۱</sup> در کتابخانه آیه الله مرعشی نسخه خطی ۶۶ جزء (حدود نیمی از آن) هست، حجم این نسخه ها یکسان نیست، حداقل ۵۰ برگ و حداکثر ۳۶۶ برگ دارد ولی غالباً نسخه های آن دارای ۱۵۰ تا ۲۵۰ برگ می باشد.

مرحوم آغا بزرگ طهرانی در باره کتاب اطلاعات دقیقی نداشته است گر چه بعضی از مجلدات آن را در نجف، تبریز و تهران رؤیت کرده است. وی می نویسد:

کتاب جامع العلوم و... کتاب بزرگی است که به مقدار کثیری نسبت به مجلدات بحارالانوار بیشتر است بلکه گفته می شود که به صد جلد می رسد و شنیده ام که همه آن در یزد موجود است.<sup>۲</sup>

احتمالاً مقصود ایشان از یکصد جلد، قطع رحلی بزرگ بوده که بحارالانوار ربع آن می شود. ولی با مراجعه به نسخه های موجود عوامل روشن می شود که تفاوت حجم این دو کتاب به ده درصد نیز نمی رسد.

حضرت آقای ابطحی که تحقیق این کتاب را انجام می دهند همه نسخه های خطی کتاب به جزء سه جزء مربوط به امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام را در اختیار دارند، به گفته ایشان این سه جزء کلاً مفقود است.<sup>۳</sup> و آنچه موجود است تفاوت زیادی از نظر حجم با بحارالانوار ندارد.

صاحب اعیان الشیعه نیز به بیشتری عوامل نسبت به بحارالانوار اشاره کرده است اما اضافه می کند که تنها ۵۴ جلد آن موجود است.<sup>۴</sup> اما میرزای نوری می نویسد که عوامل همان بحارالانوار استاد بزرگ اوست<sup>۵</sup> و به نظر نگارنده نیز کلام میرزا به واقع نزدیکتر است.

در هر صورت با توجه به اینکه تحقیق و انتشار این کتاب توسط مؤسسه الامام

۱ - فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۱، ص ۳۶۷.

۲ - حاج آغا بزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۳۵۶.

۳ - برای تکمیل این مجموعه آقای ابطحی خود به نگارش این مجلدات مبادرت ورزیده است که جزء مربوط به امام جواد علیه السلام در بیش از هفتصد صفحه منتشر شده است.

۴ - اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۸۷. ۵ - فیض القدسی، بحارالانوار ۱۰۲ / ۹۸.

المهدی علیه السلام با جدیت پیگیری می‌شود و نسخه‌های خطی این کتاب نیز در دست محققین این مجموعه است. بحث در این باره نیازی به تطویل کلام ندارد و انشاءالله تمام نسخه‌های آن به طور محقق در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

### مقایسه محتوای عوالم و بحار

نکته اساسی مقایسه بین این دو مجموعه روایی است؛ با اینکه حجم دو مجموعه تفاوت چندانی با هم ندارد و بحرانی نیز قطعاً در جریان تألیف بحار قرار داشته است چه انگیزه‌ای زمینه تحمل به رنج تألیف این مجموعه را بر وی هموار کرده است؛ در این زمینه ترجمه نویسان یاد شده دیدگاه یکسانی ندارند. میرزای نوری «عوالم» را «بحار»ی دیگر می‌داند مگر آنکه بحرانی آن را صورتی دیگر بخشیده است<sup>۱</sup> و صاحب طبقات اعلام الشیعه در توضیح این کلام نوری می‌نویسد:

عوالم از جهت اخباری‌گری شدیدتر است و از بحار الانوار، اکثر معارف عقلیه را حذف کرده است.<sup>۲</sup>

آقای دانش پژوه که فهرست مخطوطات مجلس شورای ملی را جمع‌آوری کرده است عوالم را بحار دیگری می‌داند به گونه‌ای دیگر و بهتر از آن. اما نویسنده کتاب زندگینامه علامه مجلسی که خود ناقل عبارت فوق است اظهار می‌کند که:

تاکنون هیچ یک از محدثین که هر دو کتاب را دیده‌اند چنین نظریه‌ای را اظهار ننموده‌اند. شاید علت بهتر دانستن ایشان (آقای دانش پژوه) داشتن خبرهای اهل سنت در عوالم باشد.<sup>۳</sup>

یکی از عمده‌ترین دلایل خرده‌گیران آنست که با وجود مشابهت بسیار این دو مجموعه که نه تنها در روایت بلکه در توضیحات و بیانه‌ها نیز در لفظ و محتوی عینیت و مطابقت غالبی وجود دارد؛ اما هرگز بحرانی از کتاب استاد خود یاد نمی‌کند.<sup>۴</sup> ترجمه مقدمه جلد دوم (آغاز کتاب العقل والجهل نیز مؤید این نکته است.) وی می‌نویسد:

این جلد دوم از کتاب عوالم‌العلوم و... است که آن را این فقیر کالای عقل و خواهان آن از معطی عقل جمع و تألیف کرده است، در این کتاب کلام را برای صاحبان خرد و قرابت مختصر کرده است چرا که عاقل را اشارتی کافی و جز او را

۱ - فیض‌القدس، طبع فی البحار، ج ۱۰۲، ص ۹۸.

۲ - طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۲.

۳ - زندگینامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۵۷.

۴ - ر.ک: مأخذ پیشین به نقل از فهرست مجلس شورای ملی، جزء سوم، مجلد دهم، ص ۱۵۶۸.

هزار عبارت ناکافی است.<sup>۱</sup>

اشاره نکردن بحرانی به موسوعه بحار زمينه قضاوتهاي تندى را بر ضد وي فراهم آورده است. نويسنده كتاب زندگى نامه علامه مجلسى رحمته الله عليه او را به حق ناشناسى و قصد انتساب زحمات علامه به خود متهم نموده است و به بعضى از نسخ خطى كه بالاى صفحه بر نام علامه مجلسى خط كشيده و نام شيخ عبدالله بحراني نوشته شده، اشاره كرده و احتمال داده است كه براى صرفه جويى بعضى از مجلدات بحار را بعينه در موسوعه عوالم جاى داده است.<sup>۲</sup> در مقابل نيز بعضى كار بحراني را ادامه بحار دانسته و وي را محقق آرزوى برآورده نشده علامه دانسته اند.<sup>۳</sup> چراكه علامه مجلسى در آغاز بحار الانوار نوشته است:

در خاطر من اين گونه مى گذرد كه اگر اجل فرصت دهد و توفيق و فضل الهى مددكار شود بر اين كتاب شرح كاملى را بنويسم كه در بر دارنده اهدافى باشد كه در تصنيفهاى اصحاب يافت نمى شود. شرحى كه مطلب در آن براى خردمندان به نهايت رسد.<sup>۴</sup>

به نظر نگارنده قضاوتهاي پيش گفته غالباً ناصواب است و بعضاً به جهت عدم اطلاع به مجموعه عوالم و عدم اشراف به كار بحراني صورت پذيرفته است.

با مراجعه به جلد اول و دوم اين دو مجموعه كه شامل توضيحات مباحث اعتقادي است و از ديدگاه صاحب طبقات بايد بيشتر مباحث عقليه در آن باشد روشن مى شود كه بسيارى از توضيحات علامه مجلسى بدون هيچ گونه تغييرى نقل شده است؛ مثلاً توضيح نسبتاً بلندي كه مرحوم علامه مجلسى در باره معانى و اطلاق عقل آورده است به همان صورت و فقط با جابجايى بعضى از معانى در عوالم آمده است.<sup>۵</sup> جالب توجه آنكه اين بيان عقلى از مشرب اخبارى ذكر شده است و هيچ گاه حذف آن به معنای شدت در اخبارى گرى محسوب نمى شود. در حاشيه بحار الانوار مطبوع دو حاشيه اعتراض آميز طولانى از فيلسوف و مفسر معاصر، مرحوم علامه طباطبايى نسبت به اين بيان به چشم مى خورد.<sup>۶</sup>

در هر صورت گرچه بيان ميرزاى نوري در اينكه «عوالم، بحارى است» در صورت ديگر صحيح است اما توضيحات مرحوم آغا بزرگ تهراني در اين باره ناتمام مى نمايد.

۱ - عوالم العلوم والمعارف، قم، موسسه الامام المهدى، ج ۲، صص ۳-۴.

۲ - زندگى نامه علامه مجلسى، ج ۲، ص ۵۷.

۳ - ناصرالدين انصاري، معرفى كتاب عوالم در مجله مسجد، ش ۱۰، ص ۱۱۰.

۴ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۵.

۵ - ر.ك: بحار الانوار، ج ۱، صص ۹۹-۱۰۵ و عوالم، ج ۲، صص ۴۵-۵۱.

۶ - ر.ك: حاشيه بحار الانوار، ج ۱، صص ۹۹ و ۱۰۴.

گرچه نگارنده همه نسخه‌های خطی عوالم را ندیده است؛ اما مقدار مطبوع این کتاب و بعضی از نسخه‌های خطی در تنظیم مطالب با بحارالانوار تفاوت اساسی دارد و اینکه در بالای صفحات یک مجلد نام علامه مجلسی خط خورده است نمی‌توانند قضاوت افرادی چون نویسنده زندگی‌نامه علامه مجلسی را تصحیح نماید.

از سوی دیگر، علامه مجلسی در عبارت یاد شده آرزوی شرح مفصل این مجموعه را داشته که حتماً این شرح چند برابر متن می‌گردیده است؛ ولی آنچه بحرانی ارائه کرده هرگز شرح بحارالانوار محسوب نمی‌شود. آنچه در دیدگاه نگارنده موجه جلوه می‌نماید هدف اساسی بحرانی در یک جمله خلاصه می‌شود: وی به دنبال بازسازی موسوعه بحارالانوار به هدف ارائه نظم منطقی و تفریع ابواب مختلف بوده و در این راه نیز توفیق نسبتاً خوبی - با توجه به هم عصری وی با مؤلف بحارالانوار - داشته است. نظم منطقی این کتاب را در دو زمینه می‌توان مشاهده کرد:

#### الف - کثرت عناوین مرتبط و در عین حال جمع‌آوری آن عناوین در یک جا:

بحارالانوار، کتابی است که نسبتاً از عناوین اصلی کمی برخوردار است. جدای از نقل مفصل بعضی از کتب - بدون ارائه هیچ عنوان و سر فصل در میان آن - مثل رساله محکم و متشابه نعمانی، و نقل بعضی از روایات طولانی به همین صورت (مانند روایت منقول از موسی بن جعفر علیه السلام در باره عقل) در هر باب روایات متعددی را می‌آورد که به حسب مدلول، تقسیمات متعددی را بر آن مرقوم می‌دارند. مثلاً به طور مجمل با نگاهی به دو کتاب: العقل والجهل و کتاب العلم این گونه به دست می‌آید:

- تعداد احادیث کتاب العقل والجهل، ۱۰۷ حدیث؛ تعداد ابواب آن، ۵ باب و تعداد صفحات آن تا ۸۱ صفحه آمده است.

- و تعداد احادیث کتاب العلم، ۱۳۳۳ حدیث؛ تعداد صفحات آن ۴۸۴ صفحه و تعداد ابواب آن نیز ۳۵ باب می‌باشد.

به طور متوسط در کتاب «بحارالانوار» (کتاب العقل)، در هر شانزده صفحه و برای هر ۲۱ حدیث یک باب منعقد شده است و در کتاب العلم در هر سیزده صفحه و برای هر ۳۰ حدیث یک باب وجود دارد. در حالی که کتاب «عوالم» در کتاب العقل والجهل در ضمن پنج باب اصلی، ۴۱ باب گشوده است و ۱۹۰ روایت را در آن جای داده که تقریباً هر پنج حدیث و هر سه صفحه در یک باب قرار گرفته است. مجموع ابواب کتاب العلم نیز در عوالم ۱۳۱ باب است که چهار برابر نسبت به ابواب بحارالانوار بیشتر است.

بحرانی در تنظیم ابواب خود گرچه از محتوای بعضی از کتب قدما نیز استفاده برده است

اما غالباً همان مطالب موجود در بحارالانوار را به صورتی دیگر و با نظم منطقی در ابواب جدید ریخته است؛ البته احاطه ایشان به اباحت بحارالانوار سبب شده است که از ابواب متعدد و کتب متعدد بحار در تنظیم مطالب خود بهره جوید؛ مثلاً باب «الاشیاء التي تزون فی العقل» را از جلد ۶۶ بحارالانوار بهره گرفته که در آغاز جلد دوم عوالم آورده است. در این بازسازی، جایگاه آیات مذکور در اول هر کتاب را نیز تغییر داده و ایشان به تناسب هر باب، آیات مناسب با آن را ذکر کرده است.

### ب - دست زدن به تنظیم تاریخی روایات و اخبار در یک باب:

اینکه روایات موجود در یک باب، کدام مقدم و کدام مؤخر باشد و چه معیاری آنها را مقدم و مؤخر سازد؛ از دیر باز مورد توجه و اختلاف نظر بوده است. به طوری که در کتاب کافی، غالباً روایات از جهت سند و وضوح دلالت، تنظیم شده است. روایاتی که در آغاز باب است از کمال سند و وضوح دلالت برخوردار است و به ترتیب در این دو زمینه کاستی دارد و عاقبت به معارض‌ها و... نیز می‌رسد. شیخ حر عاملی نیز تقریباً همین شیوه را در پیش گرفته است. از آنجایی که مؤلفان جامع احادیث شیعه نیز، بر اساس مدلول روایات، آن را به طوائف مختلفی تنظیم کرده و هر طائفه را در کنار هم آورده‌اند.<sup>۱</sup> حال آنکه این نکته در بحارالانوار به ترتیب خاصی به چشم نمی‌خورد.

بحرانی ترتیب روایات را بر اساس تاریخ صدور تنظیم کرده است. بر این اساس، اول روایات منقول از پیامبر ﷺ، پس از آن صحابه و تابعین، پس از آن روایات ائمه از امام علی علیه السلام تا حضرت مهدی (عج) و بعد از آن به مطالب منقول از کتب قدما، پرداخته است. و برای تحقق نظم بیشتر روایاتی که یک امام از امام قبلی یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است نسبت به روایات آن امام (که این گونه نیست) مقدم ذکر شده است.

روشن است که هر یک از این ترتیب‌های یاد شده فایده خاصی دارد. تنظیم بحرانی بیش از هر چیز برای به دست آوردن سیر تاریخی یک مسأله مفید است؛ مثلاً در ذکر روایات مربوط به فدک یا هر پدیده مطرح اجتماعی و... می‌توان خصوصیات تاریخی بر خورد معصومین، اصحاب و تابعین و ارباب کتب را به دست آورد.

اگر ایشان نیز چنین هدفی را دنبال می‌کرده است شایسته آن بود که روایات نقل شده

۱ - در مقدمه این کتاب آمده است: ایراد الاحادیث فی کل باب علی نسق خاص؛ مثل الابداء بالمفتی بها. ثم بما يعارضه او بالمعوم. ثم بما يخصه او بالملق. ثم بما يقیده و مراعات الترتیب، بین ما كان متحداً مضموناً او مشابهاً لفظاً او مشتركاً فی الراوی الاخر و غیر ذلک؛ مما لا يخفی علی الناظر. جامع احادیث الشیعه، قم، ج ۱، صفحه ش و ت.

توسط یک امام را در ضمن روایات منقول عنه قرار می‌داد نه ناقل. البته اگر این احتمال قوت داشته باشد که «روایات منقول از نبی ﷺ توسط معصومین علیهم‌السلام از سوی پیامبر اکرم ﷺ به طور عادی و عمومی ابلاغ نشده و ظرف ابراز عمومی آنها در زمانهای بعد مقدر بوده است»؛ با اینحال و جهی برای تقدم این روایات نسبت به روایات دیگر امام ناقل وجود ندارد.

با توجه به این دو ویژگی (خصوصاً ویژگی اول کتاب عوالم)، کار بحرانی ستودنی است. گرچه تکرار غالب توضیحات علامه مجلسی بدون توجه به نام نویسنده آن، کار شایسته‌ای نیست مگر آنکه به جهت شرکت ایشان در مجموعه همکاران علامه در تصنیف بحارالانوار صحت استناد توضیحات به ایشان ناروا محسوب نگردد.

عدم استقبال گسترده از این کتاب، در مقابل کتاب بحارالانوار، به طوری که با دو دهه اخیر تنها کتاب مقتل این مجموعه چاپ شده بود؛ می‌تواند به یکی از دو مطلب زیر مستند باشد:

۱. شخصیت پرفروغ و مشهور علامه مجلسی و گسترش نفوذ وی زمینه مقبولیت اثری مشابه و به یک معنا تکراری، آنهم توسط یکی از شاگردان کم نام را از بین برده بود.
۲. تنظیم و فصل‌بندی منطقی، تکثیر ابواب (که شاخصه و امتیاز اصلی کتاب عوالم بر بحار است) در دورانهای قبل چندان مورد توجه نبوده است؛ گرایشهای محتوایی بیش از گرایشهای شکلی بوده؛ خصوصاً با توجه به اینکه بحارالانوار نیز تا حدی از تنظیم فصول - لااقل در حد کتب روایی ماقبل خود - بهره داشته است. لذا دلیلی برای ترجیح عوالم بر بحار یا طرح آن دیده نمی‌شده است. آن‌گونه که حضرت آقای ابطحی (محقق و ناشر این مجموعه) ابراز داشتند توجه ایشان به این کتاب نیز به دلیل فصل‌بندی مناسب و تکثیر عناوین در قالب این مجموعه بوده است.

### ج - ویژگی تحقیقات مؤسسه امام‌المهدی (عج):

همان‌طور که گفتیم جناب آقای ابطحی تحقیق گسترده‌ای را در ضمن احیا و چاپ این اثر به انجام رسانیده است. ویژگی مهم تحقیق ایشان، پویایی آن است. از سال ۱۴۰۳ هج که اولین جلد محقق چاپ شده است تا این تاریخ که حدود ۱۵ سال از کار این مؤسسه می‌گذرد؛ تفاوت واضحی در تحقیق این کتاب به چشم می‌خورد. جلد ۱۱ این مجموعه که در باره فاطمه‌الزهراء علیها‌السلام است، تاکنون سه بار چاپ گردیده است و چاپ سوم آن در دو مجلد و حدود دوهزار صفحه است؛ در حالی که چاپ اول آن کمتر از ۵۰۰ صفحه بوده است.

یکی از عمده‌ترین کارهای مؤسسه، پیش‌گفته استمرار هدف علامه مجلسی در گردآوری جامع احادیث، با توجه به امکانات امروز و استفاده از کتابخانه‌های دنیا و میکرو فیلم‌های کتب



و... می‌باشد.

در این راستا در غالب ابواب «عوامل» استدراکاتی اضافه شده است و مطالب و روایاتی که به چشم گذشتگان نیامده و یا در دسترس آنان نبوده است؛ به طور مجزا ذکر شده است. گاهی نیز به اضافه کردن باب نیز پرداخته شده است، اما ساختار کلی عوامل کماکان به حال خود باقی مانده است.

کار عمده دیگر این تحقیق، تلاش در جهت ارائه مصادر احادیث موجود در عوامل از بحارالانوار و کتب اصلی و نیز از دیگر مراجع معتبر است؛ مثلاً برای حدیثی که حضرت فاطمه علیها السلام را جزء برترین زنان بهشت می‌داند، حدود ۵۰ مصدر آورده است<sup>۱</sup> و برای حدیث «ان فاطمة بضعة منی فمن اغضبها فقد اغضبنی» به حدود ۴۰ مصدر اشاره می‌دارد.<sup>۲</sup> نکته جالب توجه آنست که سعی بر آن شده است تا با مراجعه به کتب و روایات مصادر اهل سنت، احادیث مربوط به فضائل اهل بیت علیهم السلام و شیعه به روایت کهن اهل سنت نیز مستند شود.

مقابله، تصحیح، شرح کلمات مشکل روایات - افزون بر آنچه بحرانی آورده است - ارائه جمع‌بندیهای روایی و استنباط فقهی، در ضمن نقل ابواب حدیثی؛ خصوصاً در مجلدات اخیرالانتشار، شرح حال و توضیح و ترجمه راویان، محدثان و شاعران، توضیح نام قبایل، فرقه‌ها و مکانهای تاریخی و در نهایت ارائه فهرستهای فنی مختلف که در بعضی از مجلدات این فهرست‌ها از ۳۰ نیز تجاوز می‌کند؛ زمینه مراجعه و استفاده سریع از این مجموعه را هموار می‌سازد.

به نظر می‌رسد که مجموعه تحقیق شده و همراه با استدراک «عوامل‌العلوم»، فصل جدیدی در جوامع احادیث شیعه گشوده شود؛ اما با این حال نیازمند به تلاشهای ارزنده دیگر، در تکامل و غنای بیشتر آن می‌باشد. عناوین موجود در عوامل گرچه نسبت به بحارالانوار از کثرت و مطلوبیت بیشتری برخوردار است و در دوره آن استاد و شاگرد، شاید بهترین فصل‌بندی به حساب بیاید؛ اما هرگز این فصل‌بندی در زمان ما و پس از گذشت سیصد سال نمی‌تواند بهترین آن محسوب شود. لاقلاً دو نکته زمینه بازسازی عناوین عوامل را موجه می‌سازد:

اول: در اثر گذر زمان و تحول مفاهیم و الفاظ و پیدایش موضوعات جدید، باید در ارائه عناوین متناسب با زمان و فهم مردم آن کوشید؛ مثلاً تقسیم زندگی ائمه علیهم السلام و سیره آن بزرگواران به سیره فردی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی - سیاسی، فرهنگی و ذکر دیدگاههای آن بزرگواران در باره هنر، ورزش، تفریح و... که امروزه مورد نیاز مبرم فرهنگ جوامع اسلامی است

۱ - ر.ک: عوامل‌العلوم، ج ۱۱، چاپ دوم، ص ۱۰۸.

۲ - پیشین، ص ۱۱۷.

با اینکه احادیث زیادی در این زمینه‌ها وارد شده است و بدون کمترین اجتهاد و تفسیر به رأی با این عناوین منطبق می‌باشد؛ به این صورت در جوامع حدیثی پیش گفته عنوان نگردیده است. همچنانکه در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی چون تفسیر، کلام قدیم و کلام جدید، فقه، حقوق و... موضوعات مستحدث و یا عناوین جدیدی از خارج (عرف زمان و...) گرفته می‌شود و احکام آن از شریعت اسلامی استنباط می‌گردد؛ در ارائه عناوین جزئی و کلی جوامع حدیثی این کار باید صورت پذیرد.

دوم: امروزه فن نگارش، تعیین عناوین و تیترو سوتیترها به طور محسوسی پیشرفت کرده است؛ به طوری که در شیوه نام‌گذاری، کوتاه و گویا کردن عنوان و ارائه تقسیمات اصلی به فرعی و نیز فرعی به فرعی و... متعدد تلاشهای زیادی می‌شود تا زمینه دستیابی به مطالب و فهم آنها هموارتر گردد. در کتاب عوالم بعضی از عناوین اصولاً نیازمند به تفسیر است؛ مانند اینکه در بعضی از جاهای کتاب آمده است: باب آخر و هو من الاوّل علی وجه آخر.<sup>۱</sup> عناوین دیگر نیز گرچه متعدد است اما ایشان تنها به ذکر عناوین اصلی و فرعی اکتفا کرده است. بدان سان که تقسیم‌بندی خوشه‌ای صورت نگرفته است. در حالی که عناوین فرعی خود قابل تقسیم‌بندی به عناوین فرعی تر می‌باشند. نتیجه این شیوه آنست که مثلاً به جای ذکر ۱۸ عنوان فرعی در ذیل «ابواب مکارم اخلاق فاطمه علیها السلام و محاسن اوصافها»<sup>۲</sup> می‌توان چهار عنوان فرعی ذکر کرد که هر کدام دارای ۴ یا ۵ عنوان فرعی دیگر باشند.

تصحیح و بازسازی عناوین بر اساس رعایت دو نکته فوق کار آسانی نیست، گرچه دشواری کاری که مؤسسه‌الامام‌المهدی انجام داده و می‌دهد بیشتر است. در هر صورت می‌توان کار مؤسسه مذکور را خلق بحارالانوار دیگری بر اساس امکانات و اطلاعات قرن پانزدهم دانست. اما این بحارالانوار نوین نیز نیازمند «عوالمی» دیگر است که به تصنیف امروزی و بازسازی و تنظیم نوین در عناوین دست‌زند. و ای کاش در این عصر که امکانات فرهنگی برای انجام تحقیقاتی از این دست فراوان است این دو کار به یک جا به انجام می‌رسید. در هر صورت سعی بی‌پایان و زحمات طاقت فرسای محقق محترم و مؤسسه‌الامام‌المهدی مورد تقدیر است.

۱- ر.ک: همین کتاب، ج ۲، صص ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۹، ۲۲۹ و ۳۱۹ و ج ۱۱، چاپ دوم، صص ۱۲ و ۲۷. مقصود از این عنوان آنست که این باب همانند باب اول است ولی از جهتی تفاوت دارد.

۲- پیشین، ص ۶۶۷.